

دانش بومی استفاده از گیاهان خودرو در شمال شرق خوزستان

مطالعه موردی شهرستان ایذه^۱

منصوره رضوی*

تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۱۸

چکیده

گیاهان را می‌توان به‌عنوان یکی از عناصر اصلی در دایره اکوسیستم دانست. دایره‌ای که تنها با هدف مهیا ساختن شرایط زیست‌محیطی، بقاء را ممکن می‌سازد. گیاهان از آغازین دوران زندگی بشر نقشی با اهمیت در تأمین زندگی او داشته‌اند. برای او هم خوراک بودند، هم پوشاک، هم سوخت او بودند و هم مسکن و مأمن او، هم زینت و زیور او بودند و هم شفا دهنده دردهای او. گیاهان نه تنها در ایجاد آرامش و آسایش انسان نقشی به سزا دارند

۱- بخش گسترده‌تری از این پژوهش با عنوان گیاه مردم‌نگاری ایذه (بررسی گیاهان خودرو شهرستان ایذه)، موضوع پایان‌نامه ارشد این‌جانب به راهنمایی دکتر مرتضی فرهادی و مشاوره دکتر طیب ساکی نژاد و مهندس صدیقه یوسف نعنائی در دانشگاه آزاد اراک به سال ۱۳۸۹ می‌باشد.

* کارشناس ارشد مردم‌شناسی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری خوزستان.

بلکه به عنوان منبع مهم تغذیه جانداران دیگر نیز به حساب می‌آیند. در این پژوهش سعی شده به شناسایی گیاهان (خودرو، درختی، درختچه‌ای و علفی) در شهرستان ایذه و نقش آن‌ها در زندگی افراد بومی پرداخته شود. در واقع نگارنده با اقامت در مناطق موردنظر در فواصل زمانی گوناگون، توانست با بررسی تعدادی از گیاهان بومی، به کارکردهای آن‌ها در میان مردم بپردازد. روش تحقیق در این پژوهش، بر اساس روش‌های مورد استفاده در مطالعات مردم‌شناسی است. استفاده از منابع مکتوب کتابخانه‌ای در جمع‌آوری کلیات، مصاحبه با افراد محلی، مشاهده و مشارکت در اعمال آن‌ها. نتایج حاصل از این مطالعه می‌تواند علاوه بر معرفی گونه‌های گوناگون ناشناخته گیاهان در استفاده مفید آن‌ها در صنایع موجود نیز مؤثر باشد. همچنین می‌تواند توجه محققان و پژوهشگران متخصص در این زمینه را به اتخاذ تدابیری جهت حفظ، استفاده و تکثیر این گونه‌ها جلب کند.

واژه‌های کلیدی: گیاهان، گیاه مردم‌شناسی، مردم‌نگاری دانش‌های

سستی، ایذه.

مقدمه

زمینی که ما روی آن زندگی می‌کنیم زمین سبزی است و علت این سبزی گیاهان‌اند و این گیاهان برای زندگی و رفاه نوع بشر لازم می‌باشند... فعالیت ساخته شدن غذا در گیاهان فتوسنتز^۱ نامیده می‌شود که در سلول سبز در حضور نور خورشید انجام می‌گیرد و مواد به وجود آمده از آن به عنوان منبع انرژی مورد استفاده قرار می‌گیرند... بافت‌های گیاهی به نوبه خود برای همه اشکال زندگی گیاهان غیر سبز، نظیر باکتری‌ها و قارچ‌ها و همه حیوانات و انسان غذا فراهم می‌سازند. تمام غذاها و سایر فرآورده‌های گیاهی که ما مصرف می‌کنیم، قندها و نشاسته‌ها، دانه‌ها و میوه‌ها، چوب‌ها، روغن‌ها، داروها و

الیاف به‌وسیله گیاهان ساخته شده و از فرآورده‌های ساده فتوستتزی می‌باشند. حیوانات گوشت‌خوار که مستقیماً فرآورده‌های گیاهی مصرف نمی‌کنند، به‌طور غیرمستقیم به‌وسیله حیوانات گیاهخوار که از آنها تغذیه می‌کنند، متکی به گیاهان هستند. این اتکاء به فتوستتز سلول سبز، در دریاها نیز مانند خشکی شایع است. به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم جامعه حیوانی اقیانوس‌ها به‌وسیله اشکال ذره‌بینی یا تقریباً ذره‌بینی گیاهی حمایت می‌شوند. زیرا که این دسته از موجودات قادرند، مواد معدنی را به ترکیبات آلی که زندگی به آن‌ها بستگی دارد تبدیل کنند (ویلسون؛ لومیس؛ سیتوز، ۱۳۷۴: ۱ و ۲). شناخت بسیاری از گیاهان چه به‌عنوان تغذیه و چه به‌عنوان دارو و مسکن در طول زمانی دراز صورت گرفته است. در این مورد اگرچه مدارک مستند چندانی در دست نیست ولی استناد به کتیبه‌های چند... شواهد باستان‌شناسی و یا بهتر بگوییم گیاه‌باستان‌شناسی می‌تواند نقشی کاملاً مؤثر و تعیین‌کننده در این امر داشته باشد. در این تحقیقات این نکته بسیار مهم است که آیا امروزه نیز در برخی موارد گیاهان وحشی برای استفاده خوراکی و غیرخوراکی و دارویی جمع‌آوری می‌شوند یا خیر. مطالعه گیاهان خوراکی و غیرخوراکی برای باستان‌شناسان بسیار مهم است زیرا امکان مقایسه آن‌ها را با بقایای باستان‌گیاه‌شناسی فراهم آورده و به بازسازی روش‌های زندگی گذشتگان کمک می‌کند (کیمیایی، ۱۳۸۳: ۱۷۳ و ۱۷۴). برخی از محل‌های باستانی ممکن است به‌وسیله گیاهانی که در آنجا می‌رویند مشخص شوند؛ برای مثال خاک روی انبارهای قدیمی و گودال‌های زیاله اغلب از نظر مواد ارگانیک غنی‌تر از سایر مناطق پیرامون آن است. در نتیجه گیاهان خاصی در آن می‌رویند. در تیکال درختان نان^۱ در نزدیکی خانه‌های قدیمی می‌رویند؛ بنابراین باستان‌شناسی که در پی یافتن بقایای خانه‌های قدیمی است، نخست مناطقی را که این درختان در آن می‌رویند پیدا می‌کند.

۱- آرتوکارپوس انسیسوس "Artocarpus incisus" یا درخت نان، درختی است که همه بوم‌زادان سواحل اقیانوس آرام از میوه آن استفاده می‌کنند. (میشل پانوف/ میشل پزن، فرهنگ مردم‌شناسی، ترجمه، اصغر عسکری خانقاه، تهران، ۱۳۸۲، انتشارات سمت، ص ۳۷)

(عسکری خانقاه/شریف کمالی، ۱۳۷۸: ۱۴۷) در سال ۱۹۴۸ در جریان کاوش ارگ شهر تیشبا در اورارتو در انبار مواد غذایی، ته مانده نانی از آرد ارزن درشت به دست آمد... در حال حاضر نیز چنین نانی در ماورای قفقاز پخته می‌شود... در سال ۱۹۴۰ در خانه‌ای در ارگ ظرف بزرگی بدست آمد که در آن بقایای مخمر آبجو کشف شده بود... (طرح شماره ۱) در این مکان انواع دانه‌های روغنی، گیاهان لپه‌دار، برگ‌های خرد شده و ساقه نوعی کلم قفقازی^۱ به دست آمد که هنوز مورد استفاده هستند (پیوتروفسکی، ۱۳۸۳: ۲۰۱). در سراسر دوره پارینه‌سنگی مردم گیاهان وحشی را جمع‌آوری کرده و از یک منطقه به منطقه دیگری می‌رفتند (عسکری خانقاه/شریف کمالی، همان منبع: ۱۸۷) و از دانسته‌های خود برای اداره منابعی که وابسته به آنها بودند استفاده می‌کردند. آنها می‌دانستند که می‌توان از تنه توخالی درختان برای پرورش زنبور استفاده کرد و یا هنگامی که گیاهان خشک می‌شوند می‌توان آنها را سوزاند تا رشد گیاهان بعدی بهتر و آسان‌تر شود و یا در طغیان رود و وقوع سیل می‌توان از سدهای بوته‌ای برای کنترل حرکت ماهی‌ها سود جست (همان منبع: ۱۹۰). تجربه انسان در مرحله اول، تفکیک گیاهان مفید و مضر از یکدیگر بوده است (کیمیایی، همان منبع: ۱۷۴). انسان به مرور زمان و در اثر آزمایش و خطا مشاهده کرد که چگونه یک گوزن زخمی برای تسکین درد، تن خود را به علف «مبارک» می‌مالد و به خاصیت ضد درد آن گیاه پی برد و بعدها آن را به کار گرفت... و یا سیسرو به استفاده گوزن‌های ماده از «زرآوند» برای تسهیل زایمان اشاره می‌کند.^۲ فلانری^۳ اعتقاد دارد که چون گردآورندگان غذا کار سختی برای به دست آوردن غذای کافی انجام نمی‌دادند، به تولید غذا (کشاورزی) که مستلزم کار بیشتری بود، روی نمی‌آوردند مگر آنکه از نظر مواد غذایی در مضیقه بوده باشند (عسکری خانقاه؛ شریف کمالی، همان

1. Thymus
2. Parsiteb.com
3. flannery

منبع: ۱۹۱). رابرت بریدوود با ارائه فرضیه زیستگاه طبیعی و یا «منطقه هسته‌ای» معتقد است که، در زیستگاه طبیعی تمام شرایط لازم برای این که انواع حیوانات و گیاهان بتوانند به راحتی در محیط زیست طبیعی خود زندگی کنند وجود داشته است. هنگامی که انسان در این منطقه‌ها مستقر شد به تدریج با گیاهان و حیوانات اطراف محیط زیست خود آشنا شد و سرانجام توانست با اهلی کردن برخی از گونه‌ها، قسمتی از غذای مورد نیاز خود را تأمین کند (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۷۸: ۱۴۹). تردیدی نیست که تمام نیازهای بشر از طبیعت تأمین می‌گردد (جهانشاهی افشار، ۱۳۸۰: ۱۳). بی‌شک اقوام نوسنگی که در ناحیه باستانی کتل‌هویوک^۱ در آناتولی می‌زیستند، چیزهای زیادی درباره گیاهان می‌دانستند. مصریان نیز سه هزار سال پیش مطمئناً از سوسن آبی بهره‌مند می‌شدند و سومری‌ها در حدود ۲۲۰۰ (پ.م.) آگاهی زیادی درباره گیاهان علفی داشتند. در این تمدن‌های آغازین، گیاهان نه تنها خوراک مردم بلکه تنها داروهای شناخته شده و به‌عنوان لوازم آرایش و رنگ مورد استفاده قرار می‌گرفتند. (وارنر، ۱۳۸۷: ۵۶۴)

«جوزکولا»^۲ میوه درختی است به همین نام که ریشه آفریقایی دارد و در نقاط استوایی می‌روید. یوروباه^۳ جوز تازه را می‌چونند، از آن شربت می‌سازند و در پزشکی مصرف می‌کنند (مالرب، ۱۳۸۲: ۱۷۲). در آمریکا از ریشه نشاسته‌ای گیاه استوایی مانیوک^۴ یا کاسوا، نان می‌پزند (مید، ۱۳۸۲: ۲۴۷). گروهی از سرخپوستان، پوست داخل برخی از درختان را چنان می‌کوبند تا به صورت ورقه‌های نازکی درآید و پارچه پوست درختی تهیه می‌کنند (همان منبع: ۲۳۲). در پاپیروس ابرس نیز فرمول دارویی بر ضد

1. Catal Huyuk

2. Noix de cola

۳- دین یوروباه "Yoroubas" از دین‌های ایزدان پرست است. آن‌ها یکی از مهم‌ترین طوایف آفریقایی سیاه در جنوب غربی نیجریه هستند. مراجعه شود به: میشل مالرب، انسان و ادیان، ترجمه: مهران توکلی، تهران، ۱۳۸۲، نشر نی، ص ۱۶۹.

4. manioc

«ادرار غیرارادی» کودکان که از مغز «نی» تهیه می‌شد، آمده است (محرابی، ۱۳۸۳: ۲۹۳۴). در روزگار رامسس سوم از شاهدانه برای درمان ناراحتی‌های چشم استفاده می‌شد، درست همان‌طور که امروزه آن را برای درمان گلوکوم (آب سیاه) به کار می‌برند (حاجی آخوندی/بلیغ، ۱۳۸۱: ۷). اقوام اولیه در برخورد با گیاهانی که دارای مواد و مایعات رنگین بوده‌اند وسایل خاصی از لوازم زندگی را رنگ‌آمیزی می‌کردند (جهانشاهی افشار، همان منبع: ۱۲). در حال حاضر نیز در برخی از نواحی ایران از جمله پاریز سیرجان، عشایر و روستاییان برای رنگ کردن مشک از پوست ریشه درختچه‌ای بنام «قوسک»^۱ استفاده می‌کنند (فرهادی، ۱۳۷۸: ۲۴۲). در میان بربرها در شمال آفریقا استفاده از «سیالا» (ماده‌ای گیاهی مانند حنا) بر روی دست‌ها و پاها رواج دارد. آن‌ها به این باور رسیده‌اند که «سیالا» از ویژگی درمانی بسیار خوبی برخوردار است (ناسی، ۱۳۷۸: ۱۰). گیاه آتروپین^۲ از روزگار کهن به‌عنوان وسیله آرایش جالب‌توجه است، زیرا سبب گشاد کردن مردمک چشم شده و چشم‌ها درخشان‌تر به نظر می‌رسند (محرابی، ۱۳۸۳: ۳۷۲۹). از گذشته‌های دور در میان اقوام گوناگون مواد معطر (عصاره‌های روغنی و رزین‌ها). به‌عنوان خوشبوکننده در مراسم تدفین و گرامیداشت درگذشتگان استفاده می‌شدند (حجازی، ۱۳۸۶: ۷). (تصویر ۱). اقوام متمدن کهن همچون هخامنشیان و پارتیان (اشکانیان) به استفاده از عطر علاقه بسیار داشتند (انصاری، ۱۳۸۱: ۱۶ و ۱۷). پس از دسترسی و استفاده از آتش احتمالاً اولین وسایل روشنایی نیز شاخه‌های درختان رزین‌دار بودند که به‌عنوان مشعل به کار می‌رفتند (حقیقی، ۱۳۸۶: ۷). گیاهان از زمان‌های دور به‌عنوان سرپناه و حصار امن نقشی قابل توجه در زندگی بشر داشتند. سرخ‌پوستان کری و چیپه‌وا^۳ در جنوب منطقه اسکیموها در قاره آمریکا، تمام سال را در خیمه‌هایی به اسم ویگ‌وام^۴ که از پوست درخت غان می‌ساختند

-
1. Qusk
 2. Atropin
 3. Chippewa
 4. Wigwam

زندگی می‌کردند (مید، همان منبع: ۲۱۶) (طرح شماره ۲). نقش گیاهان در روزمرگی‌های آدمی در عقاید و باورهای او نیز رخنه کرده بود. بعضی از اقوام با شنیدن صدای برگ‌ها، از آینده خبر می‌دادند و غیب‌گویی می‌کردند. برخی نیز مرده را در وسط درختی میان تهی شبیه به تابوت دفن می‌کردند (کوه نور، ۱۳۸۴: ۱۴۶ و ۱۵۲). گیاهان وحشی و خودرو به‌یقین از روزگاران کهن یکی از منابع اصلی تأمین دادوستدهای مواد بوده‌اند (محرابی، ۱۳۸۳: ۲۰۸۳). همان‌طور که سالیان متمادی مردم ساموآ «کوپرا»^۱ یعنی گوشت خشک شده نارگیل رسیده را برای تولید روغن نارگیل می‌فروشد و با پول آن چیزهایی مانند کبریت و نفت خریداری می‌کنند (عسکری خانقاه، شریف کمالی، همان منبع: ۳۳۷). در زمان ساسانیان نیز از جمله کالاهایی که چین در برابر صدور ابریشم به ایران، از ایران وارد می‌کرد و سمس^۲ معروف ایرانی بود که چینیان آن را به بهایی گزاف می‌خریدند (رضایی، ۱۳۷۸: ۱۱۱).

اهمیت و پیشینه پژوهشی

گریه کلی^۳ از اساتید مطالعات زیست‌محیطی که حوزه اصلی پژوهشی او مدیریت منابع طبیعی بوم‌شناسی فرهنگی است در کتاب نظام‌های سنتی و مدیریت منابع در جهان می‌نویسد: «اقوام بدوی جهان برای ادامه حیات کاملاً به منابع محلی وابسته‌اند و برای فراهم کردن بالاترین کیفیت پایدار زندگی از منابع موجود در محیط‌زیست خود استفاده معقول می‌کنند. این روش زندگی مستلزم مهارت‌ها و آگاهی‌های خاصی درباره محیط است» (فرهادی، ۱۳۷۸: ۱۵). اوستا (۶۵۰۰ ق. م) اولین کتابی است که از گیاهان

1. Copra

۲- وسمه: گیاهی از تیره صلیبیان، بومی شمال آفریقا و اروپای جنوبی و مرکزی و آسیای غربی من‌جمله ایران است که از آن جهت آرایش خانم‌ها در رنگ کردن ابرو استفاده می‌کردند (فرهنگ معین، جلد چهارم، تهران، ۱۳۷۱، انتشارات امیرکبیر، ص ۵۰۲۷).

3. Gary A. Klee

دارویی سخن گفته است.^۱ در نوشته‌های کهن ریگ‌ودا^۲ و رامایانا^۳ در هند باستان مشخص می‌شود که پزشکان هندی دو هزار سال قبل از میلاد از گیاهان در معالجه بیماری‌ها استفاده می‌کردند (محرابی، همان منبع: ۳۲۳۴). هوانگ‌تی‌نای‌چینگ سوون، یا قانون طب، طب داخلی امپراتور زرد، متنی کلاسیک منتسب به امپراتور زرد است که متعلق به حدود ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد است. کتاب مهم دیگری شامل نسخه‌های گیاهی چینی متعلق به حدود ۲۰۰ سال پیش از میلاد به نام پشن‌نانگ نامیده شده است (حاجی آخوندی؛ بلیغ، همان منبع: ۱۲). در بین‌النهرین هم بر روی کتیبه مشهور نیپور^۴ کسی به نام کرامر^۵ علاوه بر سایر مواد، انغوزه گیاه مورد و آویشن را شناسایی کرده است (محرابی، همان منبع: ۲۰۸۷). ارسطو (۳۳۰ ق.م)، بقراط تئوفراستوس فون ارسوس (بنیانگذار حقیقی گیاه‌درمانی)، دیوسکوریدس، ابن بیطار، رازی و بوعلی سینا در کتاب‌ها و مقالات برجای‌مانده از خود به معرفی گیاهان، خواص و کاربرد آن‌ها پرداخته‌اند (قهرمان؛ اخوت، ۱۳۸۳: ۱). اما در حوزه انسان^۶ گیاه‌شناختی نیز گروهی به معرفی و کاربرد گیاهان خوراکی، دارویی، آئینی و فن‌آوری‌های سنتی مرتبط با آن در فرهنگ‌های متفاوت پرداخته‌اند که در آثار تاریخ‌نویسان، جهانگردان و محققان نیز قابل مشاهده است. در قدیمی‌ترین مرجع موجود که اشاره به پارچه و پنبه شده است هرودوت می‌گوید: «بعضی درختان وحشی آنجا به جای میوه، پشم می‌دهند و این پشم از حیث زیبایی و جنس خیلی بهتر از پشم گوسفندان است. هندیان پارچه‌های خود را از این نبات تهیه می‌کنند» (رسولی، ۱۳۷۸: ۶۲). ویل دورانت، نیز می‌نویسد: مردم تاهیتی ماده خاصی را که از نوعی گردو بنام هوتئو^۱ یا گیاهی بنام هورا^۱ بدست

-
1. Bioss.org
 2. Rig weda
 3. Ramayana
 4. Nippur
 5. Keramer
 6. Huteo

می‌آورند، در آب رودخانه می‌ریزند، به ماهی حالتی شبیه مستی دست می‌دهد و آن را صید می‌کنند (مرادی، ۱۳۸۶: ۱۳۲). همانطوری که امروز در برخی از نقاط ایران از جمله بهبهان از همین روش به‌وسیله گیاهی موسوم به زهر استفاده می‌شود (گزارش مردم‌نگاری بهبهان، ۱۳۷۶). ابوریحان بیرونی هم در کتاب معروف خود «صیدنه فی الطب»^۲ حدود ۷۷۰ گیاه را با مشتقات و صفات درمانی شرح داده است. او نام‌های موسوم در نواحی گوناگون را با همان لهجه‌های محلی رایج عصر خود ذکر کرده است (قهرمان؛ اخوت، همان منبع: ۶). در ایران کار بر روی گیاهان از دیدگاه مردم‌نگاری و به‌تبع آن مردم‌شناسی بسیار تازه است (فرهادی، ۱۳۸۶: ۴۲). شرایط جغرافیایی بسیار متنوع و رویشگاه‌های گوناگون از سویی، و فرهنگ کهنسال ایرانی مانند هر فرهنگ کهنسال از سوی دیگر، گنجینه‌ای از آفرینندگی‌های مردمی را در زمینه گیاه‌شناسی سنتی فراهم کرده است (همان منبع: ۴۴). آقای یعقوب غفاری در تحقیقاتی به معرفی پوشش گیاهی کهگیلویه و بویراحمد و کاربردهای سنتی گیاهان آن پرداخته‌اند. دکتر جواد صفی‌نژاد، نیز با مطالعاتی در زمینه طب سنتی به استفاده مردم از گیاهان در درمان‌های گیاهی توجه داشته‌اند. دکتر مرتضی فرهادی نیز در پژوهش‌های متعدد به معرفی گیاهان برخی مناطق، کاربرد و دانش‌های سنتی در رابطه با آن‌ها پرداخته است که غالب این تحقیقات مربوط به قبل از انقلاب می‌باشند. پژوهشگران و علاقمندان دیگری در این حوزه در مقالات زیادی با تک‌نگاری‌هایی به این موضوع نظری داشته‌اند. اما همان‌گونه که دکتر فرهادی در کتاب واره آورده‌اند: «پژوهش‌های مردم‌نگاری، مردم‌شناسی در شرایط به‌شدت دگرگون‌شونده فعلی و بر سر این پیچ‌های تند تاریخ، رسالتی است بر

1. Hora

۲- ابوریحان بیرونی هم‌عصر با ابن‌سینا، این کتاب به‌عنوان اثری بی‌نظیر در میان تمام نوشته‌ها و کتاب‌های دانشمندان و فرهنگ‌های دوره اسلامی ذکر شده است.

دوش مردم نگاران و مردم‌شناسان ایران، تا با مستندسازی فرهنگی حتی‌المقدور از «گم‌گشت»‌های بیشتر فرهنگی جلوگیری کنند» (فرهادی، ۱۳۸۶: ۹۰).

مردم‌نگاری، دانش سنتی، گیاه مردم‌شناسی

تحقیقات انسان‌شناسی^۱ بدون دانش جغرافیایی هرگز نمی‌توانست به شناخت فرهنگ‌های باستانی دست یابد. در مطالعات کلی جغرافیایی، انسان به‌عنوان یکی از واقعیات طبیعی کره زمین، مانند گیاهان و در شمار یکی از عوامل تغییر دهنده سطح زمین مانند باد و آب‌های جاری مورد مطالعه قرار می‌گیرد. مردم‌نگاری^۲ به انسان توجه می‌کند. انسان موضوع این تغییرات و سازندگی‌ها در سطح زمین است. انسان را مطالعه می‌کند با توجه به محیط (روح‌الامینی، ۱۳۸۰: ۵۵ و ۵۶). در مردم‌نگاری پژوهشگر درون موضوع فرو می‌رود تا آن را توصیف کند و بیشتر از آنکه به پرسشی پاسخ دهد، پرسش‌هایی می‌آفریند (فکوهی، ۱۳۸۱: ۱۵). مردم‌نگاری دانش‌های سنتی یکی از این‌گونه است. دانش سنتی و بومی یا محلی، عموماً به سنت‌ها، مهارت‌های بلوغ‌یافته و باسابقه در جوامع بومی اطلاق می‌شود (حاجی علی محمدی، ۱۳۸۶: ۱۰۲). دانش بومی از دیرباز و به‌تدریج بر اساس نیاز گروه‌های اولیه انسانی و برای تطابق با محیط‌زیست و حفظ تداوم زندگی انسان شکل گرفته، کامل شده و تا حال دوام یافته است (همان منبع: ۱۰۱). دانش گیاهی روستاییان با گذشت سال‌ها و پیشرفت تمدن توانست تجربیات گران‌بهایی از خواص گونه‌های گیاهی گوناگون، مکان رویش، نحوه و زمان جمع‌آوری و فرآوری آن‌ها را بیاموزد و به نسل‌های پس از خود انتقال دهد (عواطفی همت/شامخی، ۱۳۸۶: ۱۵۲). دانش محلی؛ علمی مردمی است که جهت بهره‌گیری از منابع طبیعی گیاهی برای رسیدن به بقاء بکار گرفته می‌شود. درواقع استفاده بهینه از گونه‌های گیاهی در طول عمر بومیان هر منطقه، فن موروثی گیاه‌شناسی آنان را در

1. Anthropology
2. Ethnography

ایجاد سرپناه، امرارمعاش، التیام دردها، حفظ دیگر جانداران، زبان و ادبیات و آرامش معنوی روح آنان تعریف می‌کند. این نوع دانش که مربوط به گروه‌های قومی محلی در حوزه‌های خاص جغرافیایی است به شکلی ثابت پذیر بر اساس تجربه و یافته‌های آموزشی از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. علم گیاه‌شناسی بومی با موضوعیت غیرعلمی در مقابل دانسته‌های علمی اثبات یافته‌ای قرار می‌گیرد که خود ریشه در تکرار عادات‌های مردمی دارند. پس این آگاهی محلی راه رسیدن به دانسته‌های علمی جدید گیاه‌شناسی را هموار می‌نماید. گیاه‌شناسی عامیانه، سرشاخه‌ای اهمیت یابنده، از مردم‌نگاری دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی به‌عنوان یک طبقه‌بندی درون رشته‌ای در مردم‌نگاری است. «مردم‌شناسی گیاه‌شناختی» و یا انسان‌شناسی گیاه‌شناسی و مردم‌شناسی گیاهی در برابر واژه فرانسوی (Ethnobotanique) و واژه انگلیسی (Ethnobotany) قرار گرفته است (فرهادی، ۱۳۸۶: ۶۱). گیاه‌شناسی مردمی یا مردم‌گیاه‌شناسی غالباً تجربی و تا اندازه زیادی کاربردی است (همان منبع: ۵۲). در تحقیقات گیاه‌شناسی عوام، توصیف‌ها همواره امکان تعیین هویت دقیق گیاهان زیادی در یک سرزمین را فراهم نمی‌کنند اما این توفیق حاصل خواهد شد تا ماهیت برخی گیاهان از طریق روش‌های تحقیقاتی، بهتر به دست آید (محرابی، ۱۳۸۳: ۹۰۹). تعیین هویت گیاهان می‌تواند در کنار پژوهش‌های قوم^۱ گیاه‌شناسی دیرینه (گیاه‌باستان‌شناسی). به نتایج قابل تأملی برسد. همان‌گونه که هانس هل بک^۱ در طی سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در آزمایش مواد، در علی‌کش^۲ دهلران نشان داد که بسیاری از دانه‌های به صورت زغال درآمده همچون: بازمانده‌هایی از کود سوختنی و بدین گونه به‌طور مستقیم به‌عنوان وسیله‌ای برای روشن ساختن نمونه‌های تغذیه‌ای حیوانات، و تنها به صورت غیرمستقیم برای پی بردن به عادات غذایی انسان تعبیر و تفسیر می‌شوند (میلر، ۱۳۷۶: ۲۹۳ و ۲۹۴).

روش جمع‌آوری اطلاعات

رویکرد موردنظر در این پژوهش بر اساس روش تحقیق در مردم‌شناسی است. جمع‌آوری اطلاعات از طریق منابع مکتوب در مراحل اولیه و در روش میدانی به صورت مشاهده مستقیم از نوع مشاهده مشارکتی انجام گرفته است. با انتخاب نمونه‌های اتفاقی از روستاهای این شهرستان با حضور و اقامت در مناطق موردنظر در فواصل زمانی متفاوت، اطلاعات میدانی جمع‌آوری گردید. این اطلاعات از طریق مصاحبه با افراد محلی از جمله زنان روستایی، کشاورزان، چوپانان محلی و طبیبان سنتی جمع‌آوری و از طریق تهیه عکس، جمع‌آوری نمونه‌های گیاهی به بررسی اهمیت و نقش گیاهان خودرو منطقه در روزمرگی‌های روستاییان و دانش سنتی آنان در استفاده از گیاهان پرداخته شد. در طی این مدت بنا بر شرایط موجود در منطقه گاه برای دیدن نمونه‌هایی از این گیاهان، همکاری و مشارکت در چیدن برخی از آنها و تهیه عکس و نمونه به‌ناچار مسافت‌های طولانی در کوه‌های شیب‌دار و در مواردی خطرناک پیموده می‌شد.

جامعه مورد مطالعه

مناطق انتخاب شده در بررسی این پژوهش روستاهایی از شهرستان ایذه شامل: حاجی کمال، مجموعه روستاهای سادات حسینی از جمله: (جعلکان، فالج، ملاح، درب)، قلعه سرد بالا، دشت سوسن شامل: (ده حوض و بردمیل)، هلايجان و مورد غفار می‌باشند. استان خوزستان با وسعتی معادل $6/4$ میلیون هکتار به دلیل دارا بودن شرایط خاص جغرافیایی و تنوع آب‌وهوایی و قرار گرفتن در دو ناحیه خلیجی ° عمانی و ایرانی ° تورانی از پوشش گیاهی جالب توجهی بیش از ۹۵۰ گونه برخوردار می‌باشد

(هویزه/دیناروند/صالحی، ۱۳۸۰: ۱۲). شهرستان ایذه در شمال شرقی استان خوزستان قرار گرفته و به واسطه قرار گرفتن در حاشیه کوه‌های زاگرس دارای آب‌وهوای کوهستانی است. از مهم‌ترین ارتفاعات آن می‌توان به کوه سفید، گم زرد و سلطان ابراهیم اشاره نمود (اطلس فرهنگ روستاهای خوزستان، ۱۳۷۵). ایذه دارای زمستان‌های سرد و تابستان‌هایی خنک و مطبوع است و این شرایط مناسب و تنوع در پوشش گیاهی، از دلایل مهم انتخاب آن در این پژوهش است. از جمله گیاهانی که در این منطقه مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند می‌توان به گونه‌هایی چون: بلوط، سدر، پسته وحشی، گون، کاسنی، اسطوخدوس، کرفس وحشی، مورد، علف چشمه، بادام تلخ، بارهنگ، خردل، زالزالک وحشی، تمشک، گزنه، پنیرک، آویشن، رملیک، گل‌گاوزبان، تره کوهی، گلابی وحشی، اسفند گاو شیر، موسیر، پرسیاوشان، ثعلب، گز، ختمی، پونه، کنگر، لاله واژگون، بابونه، انواع نی و... اشاره نمود که در این مقاله به بررسی چند نمونه از این گیاهان و دانش محلیان در استفاده از آن‌ها پرداخته می‌شود.

گیاهان خودرو ایذه

سیسه (Sise)

زالزالک وحشی^۱ از تیره گل‌سرخیان^۲ درختچه‌ای به ارتفاع ۲-۳ متر، با برگ‌های کوچک و متقابل، تیغه‌های بلند، گل‌های سفید و خوشبو. میوه زردرنگ سیسه را در پاییز جمع‌آوری می‌کنند (تصویر^۳). جوشانده برگ‌های این گیاه را در درمان بیماری قند و چربی بکار می‌برند. در ایذه به آن سیستن^۳ هم می‌گویند.

1. Crataegus aronia
2. Rosaceae
3. sistan

مورت (Murt)

مورت^۱ معروف از تیره مورد^۲ (سلامی، ۱۳۸۱: ۲۴۰). درختچه‌ای همیشه‌سبز، به ارتفاع ۱-۳ متر، بسیار معطر، با گل‌های سفید شیری‌رنگ، میوه‌های پائیزی بیضی‌شکل سبته به رنگ بنفش تیره (تصویر ۳). جوشانده برگ و میوه آن در درمان سرماخوردگی مفید است. برگ‌های آسیاب شده مورت با مخلوط حنا به‌عنوان درمان شوره سر، موخوره و ریزش مو بکار می‌رود. برگ‌های خشک را به دلیل بوی خوش آن در آرد نان می‌ریزند، همچنین برگ‌های گیاه را برای خوشبو کردن در لابه‌لای پرهای بالشت استفاده می‌کنند. از شاخه‌های دسته شده مورد جارو تهیه کرده و در بافتن سبد بکار می‌برند. مورد از دیرباز در ایران گیاه مقدسی شمرده می‌شد. هم‌اکنون زرتشتان و صابئین مندائی^۳ نیز در اجرای مراسم دینی از این گیاه استفاده می‌کنند.

بکلو (bakelu)

علف چشمه (بولاغ‌اوتی) (*Nasturtium officinale* (L.) R.Br.) از تیره شب‌بو^۴ گیاهی علفی و آبی (هاشمی، ۱۳۸۵: ۴۷). به ارتفاع ۱۵ تا ۷۰ سانتیمتر با گل‌های کوچک و سفیدرنگ. بکلو (بکلو) را به‌عنوان سبزی به صورت خام مصرف می‌کنند. بکلو به همراه گردو، پیاز و نان محلی به نام «تیری»^۵ خوراکی بسیار لذیذ است. در

۱- "myrtus communis" درخت مقدس ایزد بانوی عشق در حوزه مدیترانه است در اروپا عموماً آن را خوش‌یمن و مرتبط با باروری، عشق و ازدواج می‌دانستند. (رکس وارنر، دانشنامه اساطیر جهان، ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران، ۱۳۷۸، نشر اسطوره، ص ۵۸۸).

2. Myrtaceae

۳- مندائیان پیروان حضرت یحیی (ع) هستند که عمده جمعیت آن‌ها در دو کشور ایران و عراق زندگی می‌کنند. در ایران مندائیان در خوزستان ساکن هستند. مراجعه شود به (مسعود فروزنده، تحقیقی در دین صابئین مندائی، جلد اول، تهران، ۱۳۷۷، انتشارات سمت).

4. Cruciferae

5. Tiri

حاجی کمال گفته می‌شود: بَکِلُو دختری تنها بود، از خدا خواست تا برای رهایی از این تنهایی او را تبدیل به گیاهی کند که همه به او محتاج شوند. خدا نیز دعای او را اجابت کرد. در روستای ده حوض دشت سوسن می‌خوانند: بَکِلُو نَخور که پیری لَربا کُنی امیری، بل مو خورم جَوُوم که قَدِرسِ اِدوُوم (بَکِلُو نَخور، چون تو پیر و نحیف هستی و با خوردن آن باد می‌کنی و می‌میری، بگذار من بخورم که جوانم و قدر آن را بهتر می‌دانم)

جوشیر (jowšir)

گاو شیر^۱ از تیره چتریان.^۲ از خانواده شوید، به ارتفاع حدود ۱ متر با بوی بسیار تندوتیز و گل‌های زردرنگ چتری (سلامی، همان منبع: ۱۲۱). از ساقه آن شیره‌ای می‌گیرند که زهر جوشیر می‌گویند. در گذشته برای مداوای دل‌درد نوزادان آن را با شیر مادر مخلوط کرده و به نوزاد می‌خوراندند.^۳ گیاه تازه جوشیر به‌عنوان خوراک دام استفاده می‌شود. در روستای شیوند اواخر بهار زمانی که گیاه خشک شد آن را چیده و در اتاق‌های سنگی به نام کره سنگی^۴ که در ارتفاعات ساختند انبار می‌کنند تا خشک شوند، سپس با چوب درخت بلوط آن‌ها را می‌کوبند تا کاملاً خرد شوند. در زمستان جوشیر خرد شده را با کاه مخلوط و برای تغذیه گوسفندان به مصرف می‌رسانند.

بن (Ban)

1. opopanax chironium

2. umbelliferae

۳- در دوان کازرون ساقه‌های پخته شده جوشیر را جهت دفع باد بدن (درد مفاصل) به‌صورت ضماد روی محل درد می‌گذارند و از ساقه‌های جوان و برگ‌های آن نیز برای معطر کردن ترشی استفاده می‌کنند. (عبدالنبی سلامی، همان منبع).

4. kare sangi

بن،^۱ بنه از تیره پسته^۲ درختی با ارتفاع تا ۷ متر (مظفریان، ۱۳۷۸: ۳۸). میوه بن به صورت خوشه‌ای و شفت است. حدود شصت روز از بهار گذشته میوه‌های سبز و نیمه رس را برای خام خوردن و تهیه ترشی جمع‌آوری می‌کنند.^۳ (تصویر ۴). از تنه درخت و شاخه‌های بن صمغی بانام محلی «بریزه»^۴ خارج و توسط بومیان جمع‌آوری می‌شود (تصویر ۵). بریزه بسیار شفاف، خوشبو، شیرین و چسبنده است. بر اثر قرار گرفتن در مجاورت هوا خشک و رنگ آن متمایل به زرد می‌شود. بریزه را به‌عنوان آدامس برای هضم غذا می‌جویند. دود دادن صمغ جهت ضد عفونی محل سوختگی و آب بریزه پخته‌شده برای درمان کسی که سینه‌پهلوی کرده مفید است. در اصطلاحات

۱- "*Pistacia atlantica*" به عربی «حَبَّه الخضرَاء» نامند، برگ آن را چون خشک نموده، بکوبند و بر موی غلاف سازند، موی را برویند و دراز گرداند. ۴ (مراجعه شود به محمد یوسف نوری، مفاتیح الارزاق، جلد دوم، تهران، ۱۳۸۱، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۴۳۳ و ۴۳۴) - کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷ خورشیدی به معرفی مرحوم علی دشتی، کتابی خطی، به قطع رحلی در سه مجلد به نام مفاتیح‌الارزاق که متعلق به مرحوم رضا هنری از قضات دادگستری و از نویسندگان روزنامه شفق سرخ بود را خریداری کرد و اکنون در کتابخانه مرکزی دانشگاه نگهداری می‌شود. نسخه ناقص دیگری از این کتاب منحصربه‌فرد در کتابخانه بریتانیا در لندن موجود است. مؤلف کتاب شخصی بنام محمد یوسف نوری از مستوفیان عهد ناصری در شیراز است. این کتاب دائرةالمعارف مصور در کشاورزی به معنی اعم و همه‌جانبه است. در سال ۱۳۳۹ خورشیدی که کتاب مالک و زارع خانم لمبتون به ترجمه منوچهر امیری به بازار آمد مرحوم سید محمدعلی جمال‌زاده در معرفی متن انگلیسی کتاب نوشت: کامل‌ترین کتابی است که تاکنون درباره املاک زراعی و مناسبات ارباب و دهقان مملکت نوشته شده است. اگر کتاب مفاتیح‌الارزاق زودتر در اختیار علاقمندان قرار می‌گرفت بررسی‌های بعدی صورت دیگری می‌یافت. زمان تألیف کتاب حدود سال (۱۲۷۲ هـ ق) است.

2. Anacardiaceae

۳- در ده بکری کرمان از میوه تازه بن طی مراحل مختلفی خوراکی تهیه می‌کنند به نام قاتق بنه و آن را به شکل ترید شده مصرف می‌کنند.

۴- در گذشته در منطقه لنده واقع در کهگیلویه و بویراحمد بریزه بن "*beriza*" را درون نی‌های بلندی نگهداری می‌کردند. هنگام استفاده در درمان دردهای عضلانی آن را روی آتش داغ می‌کردند تا آب شود، سپس روی پارچه‌ای تمیز پهن کرده و روی محل درد گذاشته و می‌بستند، این کار را در چند مرحله انجام می‌دادند تا درد از بین برود.

محلی گفته می‌شود: (فلائی می بریزه ملوچی) [فلائی همانند بریزه چسبنده است. این مثل را در مورد آدمی که خیلی سمج باشد به کار می‌برند]. اوایل پائیز میوه‌ها به پوسته سخت رسیده و آماده چیدن می‌شوند. میوه‌ها را درون ظرف بزرگی از آب می‌ریزند، آن‌هایی که آفت زده باشند روی آب جمع شده و بقیه در ته ظرف باقی می‌مانند. سپس میوه‌های سالم را در آبکش ریخته، با نمک مخلوط کرده و درون کیسه می‌ریزند تا برای فروش به شهر ببرند و یا با دوره‌گردان در روستا به صورت مبادله پایاپای معامله کنند. بن را در این حالت با دندان شکسته و مغز روغنی آن را می‌خورند.

کلخنگ (kalxong)

خینجوک^۱ از تیره پسته، درختی به ارتفاع ۳ تا ۷ متر و میوه شفت کروی و خوشه‌ای (مظفریان، همان منبع). کلخنگ^۲ در مناطق مرتفع و صعب‌العبور می‌روید. میوه آن شبیه به میوه بن با اندازه کوچک‌تر، نرم‌تر و رنگ تیره‌تر است (تصویر ۶). این گیاه همانند بن دارای صمغ معطری است که به همان روش جمع‌آوری و مورد استفاده قرار می‌گیرد. میوه تازه کلخنگ را که ترد، تند و ترش مزه است به همراه نان می‌خورند. کلخنگ را در نوعی تنقلات محلی به نام «گندم برشته»^۳ و «گمگ»^۴ مخلوط کرده و

1. Pistacia khinjuk stocks

۲- در شیراز به آن کرهنگ (korheng) و بنشه (bonše) می‌گویند. (عبدالنبی سلامی، همان منبع، ص ۹۴)

- الوار بهبهان یک نوع نان از این میوه به نام «بلبل کلخنگی» (balbal-e kalxongi) می‌پزند و آن را با روغن حیوانی و یا عسل می‌خورند. این نان بسیار مقوی است. (گزارش مردم‌نگاری بهبهان، اداره کل میراث فرهنگی استان خوزستان، ۱۳۷۶، ص ۵۶)

۳- "Bere tē" برای تهیه آن ابتدا گندم را در شیر خیسانده تا نرم شود سپس آن را آبکش کرده و خشک می‌کنند، گندم را در تابه برشته و در اصطلاح بو می‌دهند تا تردتر شود، آنگاه با کلخنگ مخلوط می‌کنند.

۴- گمک "gemak": نوع خاصی از برنج محلی به نام رسمی یا گرده را زمانی که تازه برداشت شده به وسیله هاون چوبی می‌کوبند، تا کاملاً صاف و نازک شود، سپس آن را با کلخنگ مخلوط و گمک می‌گویند. گاه گندم برشته شده و بادام کوهی را هم به آن اضافه می‌کنند.

مصرف می‌کنند. در ایزه معروف است که می‌گویند: (سوغات لُر به کیسه بن و کلخننگ و سیسبه (سوغات همیشگی لُر در کیسه‌اش؛ میوه بن و کلخننگ و سیسبه است. در اشعار محلی نیز آمده:

کلخننگ کر کمر دونش درشته نه دسم وش ایرسه نه خوش ایوفته
کلخننگ کر کمر دونش درشته دوورو بشکن بیو کر خان کشتن
درخت کلخننگی که در گوشه و کنار دره قرار گرفته است دانه‌های درشتی دارد. نه دست من به دانه‌ها می‌رسد که آن‌ها را بچینم و نه خودشان می‌افتند. ای دختر، به سرعت بشکن زدن بیا که پسر خان را کشتند.

توله گا (Tule gâ)

ختمی معروف^۱، از تیره پنیرک^۲ (مظفریان، همان منبع: ۱۹۰). به ارتفاع ۱ تا ۲ متر با برگ‌های پهن و گل‌هایی به رنگ سفید، صورتی و بنفش. گل‌های گیاه را در بهار جمع‌آوری کرده و خشک می‌کنند. از جوشانده گل‌های توله‌گا به‌تنهایی و یا همراه آویشن در درمان سرماخوردگی استفاده می‌شود البته برای کسانی که دچار بیماری آسم هستند نیز مفید است. گل آسیاب شده ختمی را با شیر گاو مخلوط کرده و روی زخم‌هایی که آبه کرده و چرکی شده می‌گذارند تا عفونت را بیرون بکشد.

کوشنی (Košni)

۱- گل ختمی "*Hibiscus syriacus*" که نام علمی خود را از لغت یونانی آلتو به معنی ترمیم کردن و شفا دادن گرفته، از زمان مصریان باستان تاکنون مورد استفاده بشر بوده است. ریشه آن سرشار از قند، بسیار لزوج و نرم‌کننده بافت‌هاست. برگ و ریشه هر دو به‌عنوان سبزی مصرف می‌شده‌اند. (عباس حاجی آخوندی، ناصر بلیغ، همان منبع، ص ۲۹).

کاسنی (*Cichorium intybus* L.) از تیره آفتابگردان یا کاسنی،^۱ گیاهی علفی به ارتفاع ۵ تا ۱۰۰ سانتیمتر (مظفریان، همان منبع: ۹۲). جوشانده کوشنی برای بیماری که قند دارند مفید است. جهت درمان بیماری یرقان گیاه کوشنی را در ظرف آبی روی آتش قرار می‌دهند تا بپزد. در ظرف را کاملاً کیپ کرده تا بخار از آن بیرون نرود. پس از مدتی در ظرف را وارونه کرده و عرق روی در قابلمه را جمع می‌کنند و به بیمار می‌دهند. گیاه را پس از چیدن درون کیسه‌ای پارچه‌ای در معرض عبور آب و یا درون سطل آبی به مدت ۱ تا ۲ روز قرار داده و در این مدت چند بار آب آن را عوض می‌کنند. سپس گیاه را با دست می‌فشارند تا تلخی آن گرفته و شیرین شود سپس با ماست یا دوغ و نمک مخلوط کرده و به این خوراک «تلیکه»^۲ می‌گویند. تلیکه را به همراه نان و یا به تنهایی می‌خورند.

کُنار (konâr)

سدر (*Ziziphus spina Christi* (L.) Willd) از تیره عناب‌ها^۳ درختی است تنومند به ارتفاع ۵ - ۸ متر (همان منبع: ۲۳۵). درختی همیشه‌سبز، میوه شفت به رنگ زرد و قرمز (تصویر ۸). برگ‌های آن را برای شستشوی سر و تن بکار می‌برند. از چوب آن به عنوان مصالح در ساخت خانه‌های روستایی استفاده می‌کنند. میوه کنار پس از آسیاب شدن آردی تهیه می‌کنند که خاصیت درمانی دارد. در گذشته این آرد در تهیه نوعی نان مورد استفاده قرار می‌گرفت. در دشت سوسن این گیاه را کُنار «آزا»^۴ به معنی (محکم، بلند و تنومند). می‌نامند. درخت کُنار در فرهنگ مردم خوزستان بسیار مورد اهمیت و تقدس است. بطوری که بر این باورند، شب‌هنگام نباید بدون ذکر بسم‌الله از زیر آن گذر کنند و یا اگر درخت را از ریشه قطع کنند، بر اهالی خانه بلایی نازل می‌گردد. به

-
1. Compositae
 2. telike
 3. Rhamnacees
 4. Azâ

دلیل قداست و ارزشی که دارد، مردم برای برآورده شدن حاجاتشان کُنار را واسطه قرار داده و به آن تکه‌های پارچه‌ای می‌بندند. همچنین از شاخه‌های این درخت بر سر سفره‌های نذری همچون شاه‌پریان (پریون) استفاده می‌کنند. سفره شاه پریون یکی از سفره‌های نذری است که در ماه رجب برپا می‌گردد.

توله (Tula)

پنیرک گل کوچک (*Malva parviflora L.*) از تیره ختمی، یا پنیرک:^۱ گیاهی علفی، به ارتفاع ۵-۳۰ سانتیمتر. با گل‌های کوچک به رنگ بنفش روشن (همان منبع: ۱۹۱). برگ‌های آب‌پز شده توله را به همراه ماست و یا سرخ‌شده آن را با ترکیب پیاز و «ناردونگ»^۲ (دانه انار) به نام «توله سرکرده»^۳ همراه نان می‌خورند. توله را به‌عنوان سبزی در برنج می‌ریزند. در کُنارچگاه ده‌حوض در دشت سوسن با این گیاه به همراه مخلوطی از گیاهان محلی دیگر پلویی بسیار لذیذ به نام «کرمکی»^۴ می‌پزند. از اواسط زمستان تا بهار توله‌ها را دسته‌دسته چیده و برای فروش به شهر می‌برند. در گذشته‌های دور به دلیل نقش مهم توله در تغذیه پس از خشک شدن، تخم‌های آن را جمع‌آوری و درون کوزه‌های سفالی ذخیره می‌کردند تا بتوانند در صورت نیاز برای کاشت از آن‌ها استفاده کنند.

اوریشم (owrišom)

-
1. Malvaceae
 2. nârdong
 3. tula Sor Kerde
 4. kermaki

آویشن^۱ از تیره نعناعیان گیاهی علفی، با ساقه‌های متعدد و عطری بسیار مطبوع که در مناطق مرتفع و کوهستانی می‌روید. آوریشم یا اوریشم در دو گونه پهن‌برگ (اوریشم اُردی) و باریک‌برگ (اوریشم بلی) وجود دارد. از اوریشم اُردی (اُردی) در تهیه غذایی به نام «او اُردی»^۲ یا «گلوفته»^۳ استفاده می‌شود. پس از زایمان زنان آن را تهیه کرده و برای تقویت جسم به زائو می‌دهند. برای تهیه این غذا از آرد گندم، روغن حیوانی، شکر و اوریشم استفاده می‌شود. اوریشم بلی به صورت جوشانده در درمان سرماخوردگی، کم‌اشتهایی، دل‌درد و تسکین اعصاب مفید است.

گزگز (gazgazu)

گزنه^۴ از تیره گزنه^۵، گیاهی علفی به ارتفاع ۵ تا ۳۰ سانتیمتر، (مظفریان، همان منبع: ۲۷۰). دارای ساقه زبر با تیغه‌های بسیار ریز است که در موقع چیدن دست را دچار خارش می‌کند. در روستای بردمیل در دشت سوسن به دلیل تیغه‌های گزنده گیاه در زمان چیدن آن می‌خوانند: «گزگزو شو زیتیم، روز میرتیم» (گزگزو در شب زن تو هستیم و در روز مرد تو)، آن‌ها معتقدند با خواندن این شعر در موقع چیدن از گزند گیاه در امان خواهند ماند. شاخه‌های تازه و جوان گزگزو را آب پز کرده و با نمک

۱- "thymus SPP" به فارسی ایشن و اوشن، به ترکی کلکلیک، به اصفهانی اوشم، به شیرازی اوشمک و در کهگیلویه و بویراحمد به آن اورشمک می‌گویند و به نام‌های محلی آزریه، سوسنبر، صعتر و مرزنگوش وحشی هم معروف است. (فروغ هاشمی، همان منبع، ص ۲۱).

2. ow ordi

3. gelofta

۴- گفته می‌شود که سربازان سزار، گزنه "urtica dioca" رومی را با خود به بریتانیا بردند چون تصور می‌کردند برای گرم نگهداشتن خود باید با گزنه به بدنشان ضربه بزنند، و تا همین اواخر یکی از درمان‌های جا افتاده در طب سنتی برای آرتрит و رماتیسم ضربه زدن با شاخه گزنه به محل درد بود. (عباس حاجی آخوندی، ناصر بلیغ، همان منبع، ص ۱۲).

5. urti caceae

می‌خورند. گزگزو را در آب پخته، سرد می‌کنند و آبش را در شیشه‌ای نگه می‌دارند و برای درمان کسانی که دچار فشارخون بالا هستند مصرف می‌کنند.

اوچیر (owčir)

پرسیاوش، پرسیاوشان، چلوواش (*Adiantum capillus-veneris*) از تیره پرسیاوش.^۱ از جنس سرخس‌ها، نام‌های دیگر آن «چیراو»^۲ (به معنی مانند آب سرازیر شدن) و «پاقلا»^۳ (شبهه به پای کلاغ) می‌باشد. از جوشانده این گیاه به تنهایی یا همراه مورد و نبات برای درمان سرماخوردگی استفاده می‌کنند. آب پخته این گیاه به صورت قرقره در دهان برای دندان درد مفید است.

فنسه (fense)

اسفند، اسپند^۴ از تیره قیچ^۵ (همان منبع: ۲۷۴). گیاهی علفی با گل‌های سفید مایل به سبز. نام دیگر آن «دینشت»^۶ است. اسفند از گذشته‌های دور تا به امروز گیاه با اهمیتی بوده و معمولاً در مناسبت‌های گوناگون مانند: (مراسم عروسی، آیین‌های مذهبی، تولد نوزاد) معمولاً به‌طور مداوم هر غروب تا روز چله (برای خوش‌یمنی و دور کردن ارواح شیطانی آن را دود می‌دهند. زنان از دانه‌های آن ریشه‌هایی تهیه کرده و به‌عنوان چشم‌زخم بر سر در خانه نصب می‌کنند (تصویر ۱۲) در گذشته برگ‌های تازه

1. Adiantaceae

2. iw

3. pâqolâ

۴- "peganum harmalal" در روستاهای سیرجان دشتی و دشت و در شاهرود سیبچ نام دارد. (مرتضی فرهادی، گیاه مردم‌نگاری کمره، ص ۶۲).

-در دوان کازرون به آن «دوینشت» گویند و برای درمان زخم ترک دست و پا و فساد معده به کار می‌برند. (مراجعه شود به عبدالنبی سلامی، همان منبع، ص ۱۵۳ و ۲۸۹).

5. Zygophllaceae

6. dine t

گیاه را کوبیده، روی محل مارگزیدگی نهاده و با پارچه‌ای محکم می‌بستند. همچنین آب پخته‌شده آن را به گوسفندان مار زده می‌دادند تا زهر از بدن حیوان دفع شود.

رملیک (ramalik)

رملیک یا رملیک^۱ از تیره عناب و از خانواده کنار است. درختچه‌ای پرخار و پر شاخه به ارتفاع ۱ تا ۲ متر (مظفریان، همان منبع: ۲۳۴). میوه آن کوچک‌تر از کنار و ترش مزه است. در دشت سوسن به آن کنار «پرز»^۲ هم می‌گویند. پرز به معنی حصار است و به دلیل این که از شاخه‌های آن در ساخت حصار باغ‌ها و زمین‌ها استفاده می‌شود به این نام خوانده می‌شود. از پختن میوه‌های پائیزی رملیک در هفتکل نوعی رب تهیه می‌کنند و به‌عنوان چاشنی در تهیه غذا مصرف می‌کنند.

بلیط (balit)

بلوط^۳ از تیره راش، بلوط یا پیاله‌داران^۴ به ارتفاع تا ۱۰ متر و قطر تا ۱۲ متر (همان منبع: ۱۴۰). گل‌های آن سنبله و میوه آن به صورت بیضوی کشیده درون پيله‌ای چوبین قرار دارد. آن را «بلی»^۵ نیز می‌نامند. محلیان در پاییز پوست سبز میوه بلوط را با با وسیله‌ای به نام «رونجوک»^۶ جدا کرده و به‌عنوان خوراک دام استفاده می‌کنند. برای خشک کردن بلوط‌های پوست‌کنده که پوشیده از پوسته نازک قهوه‌ای رنگ به نام

۱- "ziziphus nummularia" در بهبهان به این میوه «رینیک» (rebenik) می‌گویند و غذایی به نام «اورینیک» (owrebenik) از آن تهیه کرده و به صورت ترید شده می‌خورند، معمولاً این غذا را در فصل پائیز تهیه می‌کنند. گزارش مردم‌نگاری بهبهان، اداره کل میراث فرهنگی استان خوزستان، ۱۳۷۶، ص ۵۸.

2. parzi

۳- "Auercus persica" میوه بلوط به نحو گسترده‌ای نخستین خوراک انسان به شمار می‌آمد... در جشن ویژه سیرس ایزد بانوی ویژه کشاورزی در اساطیر روم مردم یا دروگران جام‌هایی از میوه آن به تن می‌کردند. (رکس وارنر، همان منبع، ص ۵۸).

4. Faga ceae

5. bali

6. ronjok

«جفت»^۱ (تانن)^۲ می‌باشد. بلوط‌های پوست‌کنده را روی داربستی به نام «لهه»^۳ قرار داده و زیر آن آتش روشن می‌کنند یا بلوط‌ها را جلوی آفتاب می‌گذارند تا خشک شوند. پوسته نازک (جفت) را از مغز بلوط جدا کرده و بلوط را به وسیله دو قطعه سنگ بزرگ به نام سنگ «بردر»^۴ خرد می‌کنند (تصویر ۹). سپس به آن مقدار کمی آب می‌پاشند تا کمی خیس شود در این حالت به آن «جفتکه»^۵ می‌گویند. جفتکه را درون سبدهای بافته شده از شاخه‌های مورد یا بادام به نام «سعله»^۶ (سله) یا سعله کلگی،^۷ می‌ریزند و روی آن را با برگ‌های درختان و معمولاً برگ‌های بلوط می‌پوشانند و آن را در جایی دور از نور و سرما قرار می‌دهند. در این حالت به اصطلاح بلوط به خواب می‌رود و اسیدهای چرب درون آن به اسیدهای غیر چرب و قابل حل در آب تغییر می‌یابند. پس از سه روز آن را به سرچشمه یا رودخانه می‌برند و در مسیری قرار می‌دهند و به گونه‌ای تنظیم می‌کنند که آب به آن پاشد تا باعث شود تلخی آن گرفته و شیرین شود. در حال حاضر در برخی روستاها بلوط‌های خرد شده را درون کیسه‌های پارچه‌ای قرار داده و به مدت یک روز در مسیر عبور آب لوله می‌گذارند. بلوط شیرین شده را خشک کرده و مجدداً با سنگ بردر آسیاب می‌کنند تا به صورت آرد درآید. آرد بلوط را «کلگ»^۸ می‌نامند. مقداری از کلگ را در مشک‌های پوستی به نام «کول»^۹ برای روزهای نه چندان چندان دور نگهداری می‌کنند و مازاد آن را کمی مرطوب کرده به صورت گلوله‌های

شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

1. jaft

۲- تانن: ماده موثره‌ای است که در میوه بلوط قرار دارد.

۳- لهه "laha": دیواره سنگی کوتاهی است که آن را به وسیله آتشی روشن می‌کنند و رویش را از چوب‌های تر درخت بلوط می‌پوشانند، سپس بلوط‌ها را روی آن قرار می‌دهند تا خشک شوند.

4. bardar

5. jaftka

6. saele

7. kalgi

8. kalg

۹- "kul" در برخی مناطق دیگر این مشک را «کولین» (kulin) می‌نامند.

یکدست مانند کشک جمع کرده، در آفتاب خشک می‌کنند و برای ماه‌های آینده ذخیره می‌کنند. در هنگام مصرف آن را به صورت خمیر در می‌آورند. از کَلگ به همراه آرد گندم در تهیه نانی به نام (نون کَلگی) استفاده می‌شود و یا خمیر آن را به تاوه داغ می‌زنند و به شکل نان ضخیمی به نام «گرده کَلگی»^۱ تهیه می‌کنند. از کَلگ برای درمان درمان بیماری‌های معده و اسهال استفاده می‌شود. از جفت در رنگریزی مشک‌های پوستی استفاده می‌شود. مقداری جفت را در دیگی از آب می‌جوشانند تا جفت رنگ خود را پس دهد، پس از این که کمی سرد شد، پوست را درون آب به مدت دو تا سه روز قرار می‌دهند تا رنگ بگیرد و ماده پریشیدی و قابل فساد پوست با آن ترکیب و غیرقابل فساد و بادوام شود. پس از این مدت پوست را بیرون آورده، در حالتی که نرم است آن را می‌دوزند تا به صورت مشک درآید (تصویر ۷). از جفت در درمان سوختگی ناشی از شب‌ادراری کودکان نیز استفاده می‌شود. مردم در مثل‌ها آورده‌اند: «تا نَکْنَه پَرکِ بَلِیَط / نیگنِ بهاره» (تا زمانی که درخت بلوط گل نهد خبری از آمدن بهار نیست). «بَلِیَطِ دَمِ دارصدِ مَن / یَه مَنش روغن» (بلوطی که به درخت آویزان است صد من است که از این میان فقط یک من آن را روغن تشکیل می‌دهد). به سبب نقشی که بلوط در زندگی اهالی منطقه داشته، مراحل گوناگون بهره‌برداری از آن را در اشعار محلی به هنگام برداشت محصول با صدای بلند زمزمه می‌کنند. در نمونه‌ای از این اشعار آمده:

بَلِیَطُ شاه بَلِیَطُ کلُّ کَلَّاورِد
 بلوطم، شاه بلوطم پَرثمرهستم
 هر لَرُی با رَأَسِ خوشِ یَه جیلِ دِرَاورِد
 هر لَرُی با چوبِ دستی خود مقدارِ زیادی از ثمرِ من را چید
 زَیْدَه بَر سَرَمُ کَلَه ام وَهسِیه
 برسرِ من زد و کلاه) پوسته چوبین بوط) از سرم انداخت

وَرَجِيمٌ دُونَهُ دُونَهُ، كِرْدُم مِّنْ هَوْرٍ بُرْدُم وِ حَوْنَهُ
مرا دانه دانه جمع کرد، داخل کیسه نهاد و به خانه برد
نَهَادَهُ بَرِ سَرْمُ تِيغِ سِيْتُوْنَهُ
تیغ تیز (رونجوک) را بر سرم نهاد پوستم را کند
كِرْدُم سَرِ لَهه، تَشِ زِي وِ زِيْرُم
مرا بر سر لَهه نهاد و زیرم را با آتشی روشن کرد
بُرْدُم به زير بَرْدَرِ چَپِنِيْدُم
مرا به زیر سنگ بَرْدَرِ برد و خرد کرد
بَرْدِ بَالَا بَرْدِ دَوْمِيْنِ اَنْجِنِيْدُم
سنگ بالا و سنگ پائین مرا خرد کرد
سِه شُوْ وِ حَوْنُ، يَه شُوْ وِ تُوْ سَه شَبِ دَرِ حَوَابِ وِ يَكِ شَبِ دَرِ تَبِ بُوْدَم
بُرْدُم وِ اَوِ بُرْدُم وِ حَوْنَهُ وِرْبُرِيْدُم
مرا به زیر آب نهاد، به خانه برد و مورد استفاده قرارداد

از شاخه‌های بلوط در دود دادن مشک قبل از استفاده، بهره می‌برند تا در اصطلاح مشک محکم شود (تصویر ۱۱). چوب بلوط در معماری سنتی و به‌عنوان سوخت نقش مهمی دارد. بلوط از جمله گیاهان مقدس به‌شمار آمده و وجود باورهایی در میان بومیان منطقه حاکی از اهمیت آن است. مردم برای برآورده شدن حاجاتشان به درختان بلوطی که در نزدیکی اماکن مذهبی و یا در نقاط خاصی قرار گرفته‌اند نذر می‌کنند و تکه پارچه‌ای می‌بندند (تصویر ۱۰). در گذشته عشایر به‌هنگام بازندگی‌های شدید، دعا می‌کردند، و با تکه پارچه و یا قطعه طنابی شاخه‌ای از درخت بن را به درخت بلوط گره می‌زدند و می‌گفتند: (خدایا ای‌ای بارون وادار (خدایا، این باران را نگه دار و معتقد بودند که خداوند اجابت می‌کرد.

جمع‌بندی

می‌توان گفت همزیستی انسان در طبیعت و در کنار گیاهان از آغاز خلقت مهم‌ترین تأثیر را در شکل‌گیری فرهنگ‌های انسانی داشته است. چنانچه تاکنون نیز موجودیت آن‌ها در زندگی مردم حائز اهمیت است. نقش مهم گیاهان در بقاء جسم و روح انسان در هر شکلی به تجربه، دانش و مهارت بومیان سرزمین‌های گوناگون بازمی‌گردد. پژوهش‌های گوناگون در این زمینه، شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات محلی از این دانش روستایی علاوه بر دانستن و ثبت آن‌ها، اطلاع از محل و فصل رویش، شیوه‌های جمع‌آوری، فرآوری و استفاده از گونه‌ها و شیوه‌های مصرف به‌عنوان احتیاجات غذایی، دارویی و زینتی و اهداف خودمصرفی و فروش در بازار (عواطفی همت؛ شامخی، همان منبع: ۱۶۹). راه‌های تازه‌ای را در پیشبرد اهداف صنعتی و مدرن در جامعه پیش روی متخصصان و صنعتگران قرار می‌دهد. امروزه در کنار هزاران فرآورده دارویی، محصولات بسیار زیاد آرایشی و زیبایی بخش از گیاهان تهیه و وارد بازار شده است. در سال‌های اخیر تهیه محصولات تقویتی نیروبخش و روان افزا به صورت تنقلات یا محصولات کمک غذایی از گیاهان و تمایل صنایع به این خط نوین تولید، اهمیت گیاهان دارویی را بیش‌ازپیش نموده است. اهمیت گیاهان معطر به‌عنوان تولید اسانس نیز باید مورد توجه قرار گیرد، اسانس به‌طور عمده در صنایع عطرسازی مصرف می‌شود ولی به‌عنوان معطرکننده در داروسازی و طعم‌دهنده در قنادی و صنایع غذایی نیز استفاده می‌شود (حاجی آخوندی؛ بلیغ، همان منبع: ۲). اما گیاهان علاوه بر مصرف مستقیم، به دلایل بسیار جزء مهم و غالباً لازم محیط‌زیست انسان می‌باشند. چمنزارها و جنگل‌ها خاک را حفظ کرده، از سیلاب‌ها و فرسایش جلوگیری می‌کنند. گیاهان با افزایش رطوبت و تنظیم حرارت در آب‌وهوا تأثیر دارند. گیاهان برای حیوانات اهلی که با خراب شدن محیط طبیعی آن‌ها منهدم می‌گردند زیستگاه‌هایی فراهم می‌نمایند (ویلسون؛ لومیس؛ سیتوز، همان منبع: ۲۴). و درنهایت وقتی که باستان‌شناسان ژاپنی در بازمانده فضولات آدمی چند هزار سال پیش به دنبال یافتن دانه‌های گیاهی هستند، تا در

آینده و در صورت لزوم بتوانند از آن گونه گیاهی استفاده غذایی کنند، آیا ما نباید به فکر چنین جایگزینی‌ها و یا افزودنی‌هایی بر کشت‌ها و غذاهای موجود و معرفی آن به جهانیان باشیم (فرهادی، ۱۳۷۸: ۱۶).

قدردانی

در پایان جای آن دارد که از تمام کسانی که به‌عنوان همراه، راهنما و مطلع، کمک‌های بسیاری کرده‌اند کمال تشکر را داشته و از لطف بی‌دریغشان قدردانی نماییم.

منابع

- سازمان برنامه‌وبودجه خوزستان. (۱۳۷۵). اطلس فرهنگ روستاهای استان خوزستان، شهرستان ایذه.
- انصاری، شهره. (۱۳۸۱)، *تاریخ عطر در ایران*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- پانوف، میشل؛ پژن، میشل. (۱۳۸۲)، *فرهنگ مردم‌شناسی*، ترجمه: اصغر عسکری خانقاه، تهران: سمت.
- پرو، ژان؛ ییوڈلفوس، ژنو. (۱۳۷۶)، *پژوهش قوم-گیاه‌شناسی دیرینه در خوزستان* (گزارش گردهمایی بین‌المللی شوش و سمینار بلو)، ترجمه: هایده اقبال، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پیوتروفسکی، بوریس. (۱۳۸۳)، *تمدن اورارتو*، ترجمه: حمید خطیب شهیدی، تهران: انتشارات پژوهشکده باستان‌شناسی.

- جهانشاهی افشار، ویکتوریا. (۱۳۸۰)، *فرایند و روش‌های رنگرزی الیاف با مواد طبیعی*، تهران: دانشگاه هنر.
- حاج‌علی محمدی، هما. (۱۳۸۶)، فن‌آوری تهیه زغال در شمال ایران (پژوهشی در حوزه دانش بومی)، *فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی*، دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۳۵ و ۳۴.
- حاجی آخوندی، عباس؛ بلیغ، ناصر. (۱۳۸۱)، *راهنمای کاربردی گیاهان دارویی*، تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
- حجازی، سید رامین. (۱۳۸۶)، *دنیای خواص عود*، تهران: انتشارات پندار پارس.
- رسولی، غلامحسین. (۱۳۷۸)، رنگرزی سنتی در پیر سواران ملایر، *فصلنامه نمایه پژوهش*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال چهارم، شماره یازده و دوازده.
- رضائی، عبدالعظیم. (۱۳۷۸)، *تاریخ ده‌هزارساله ایران*، جلد دوم، تهران: درّ و اقبال، چاپ دهم.
- روح‌الامینی، محمود. (۱۳۸۰)، *مبانی انسان‌شناسی (گرد شهر با چراغ)*، تهران: عطار، چاپ دهم.
- سلامی، عبدالنبی. (۱۳۸۱)، *طب قدیم ایران (طب سنتی دوان)*، تهران: انتشارات کازرونیه.
- عسکری خانقاه، اصغر؛ شریف‌کمالی، محمد. (۱۳۷۸)، انسان‌شناسی عمومی، تهران: انتشارات سمت.
- عواطفی همت، مجید؛ شامخی، تقی. (۱۳۸۶)، دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی مردم جنگل نشین در استفاده از برخی محصولات غیرچوبی قابل رویش در جنگل (مطالعه موردی روستای چیتن)، *فصلنامه علوم اجتماعی*، دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۳۵ و ۳۴.

دانش بومی استفاده از گیاهان خودرو در ... ۱۳۱

- فرهادی، مرتضی. (۱۳۷۸)، مردم‌نگاری دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی "نان شب" مردم‌نگاران ایران، *فصلنامه نمایه پژوهش*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال چهارم، شماره یازده و دوازده.

- فرهادی، مرتضی. (۱۳۷۸)، *موزه‌های بازیافته* (گمانه‌زنی‌هایی در فرهنگ عشایر روستاهای سیرجان، بافت، بردسیر و شهربابک استان کرمان)، کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.

- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۶)، گیاه مردم‌نگاری با چکیده و نمونه‌هایی از گیاه مردم‌نگاری گیاهان خودروی کمره، *فصلنامه علوم اجتماعی*، دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۳۵ و ۳۴.

- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۶)، *واره (درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون)*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- *فرهنگ معین*. (۱۳۷۱)، جلد چهارم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۱)، *تاریخ اندیشه‌ها و نظریه‌های انسان‌شناسی*، تهران: نشر نی.

- قهرمان، احمد؛ اخوت، احمدرضا. (۱۳۸۳)، *تطبیق نام‌های کهن گیاهان دارویی با نام‌های علمی*، تهران: جلد اول، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

- کوه نور، اسفندیار. (۱۳۸۴)، *دائرةالمعارف هنرهای سنتی ایران*، مشهد: جلد سوم، نور حکمت.

- کیمیایی، معصومه. (۱۳۸۳)، *گزارش مقدماتی مطالعات باستان گیاه دارویی در دشت کاشان* (سفالگران سیلک - گزارش فصل سوم)، به کوشش صادق ملک شه‌میرزادی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی.

- مالرب، میشل. (۱۳۸۱)، *انسان و ادیان*، ترجمه: مه‌ران توکلی، تهران: نشر نی، چاپ دوم.

- محرابی، ولی‌الله. (۱۳۸۳)، *تاریخ مصور پزشکی جهان* (از کهن‌ترین روزگار تا دوره معاصر)، تهران: جلد‌های دوم؛ چهارم؛ ششم و هفتم، انتشارات دایره‌المعارف تاریخ پزشکی.
- مرادی، محمد. (۱۳۸۶)، *مردم‌شناسی پیش‌ازتاریخ و جوامع ابتدایی*، تبریز: موسسه توسعه علمی پژوهشی کوثر پژوه سهند.
- مظفریان، ولی‌الله. (۱۳۷۸)، *فلور خوزستان*، اهواز: جلد اول، مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام خوزستان.
- ملک شهمیرزادی، صادق. (۱۳۷۸)، *ایران در پیش‌ازتاریخ* (باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده‌دم شهرنشینی)، تهران: معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مید، مارگارت، *آدمیان و سرزمین‌ها*، ترجمه: علی‌اصغر بهرامی، تهران: نشر نی.
- ناسی، کریستا. (۱۳۷۸)، نقاشی و خالکوبی بر روی بدن، *نشریه هنرنامه*، شماره ۲.
- نوری، محمد یوسف. (۱۳۸۱)، *مفاتیح‌الارزاق (کلید در گنج‌های گهر)*، تهران: جلد دوم، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- وارنر، رکس. (۱۳۸۷)، *دانشنامه اساطیر جهان*، ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: اسطوره، چاپ دوم.
- ویلسون، لومیس. (۱۳۷۴)، *سیتوز، گیاه‌شناسی*، ترجمه: فریدون ملک‌زاده؛ فاطمه مقدم، تهران: جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم.
- هاشمی، فروغ. (۱۳۸۵)، *قاصدک (پیام‌آور شادابی و زیبایی)*، قم: انتشارات نسیم کوثر.
- هویزه، حمید؛ دیناروند، مهدی؛ صالحی، حسین. (۱۳۸۰)، مطالعه مقدماتی گیاهان دارویی خوزستان، *فصلنامه پژوهشی و سازندگی*، شماره ۵۳.

دانش بومی استفاده از گیاهان خودرو در ... ۱۳۳

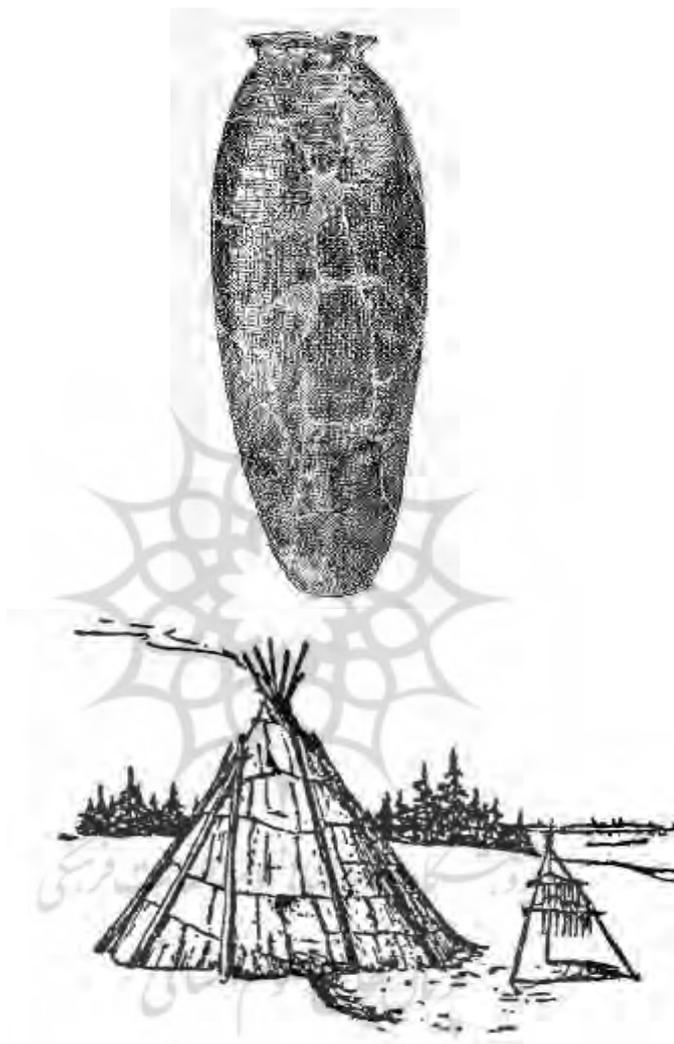
منابع چاپ نشده

- حقیقی، حمیده. (۱۳۸۶)، پیه‌سوز سفالین از آغاز تا دوره معاصر، *پایان‌نامه کارشناسی دانشکده هنر دانشگاه شهرکرد*.
- گزارش مردم‌نگاری بهبهان. (۱۳۷۶)، اداره کل میراث فرهنگی خوزستان.

<http://www.bioss.org>
<http://www.parsiteb.com>



پیوست:



طرح ۱- ظرف آماده‌سازی آبجو

طرح ۲- ویگ وام - ساخته‌شده از پوست

کارمیربلو (تمدن اورارتو - پیوتروفسکی) درخت غان (آدمیان و سرزمین‌ها -

مارگارتمید)

دانش بومی استفاده از گیاهان خودرو در ... ۱۳۵



تصویر ۱- ظرف مخصوص نگهداری روغن مقدس
(the history of Glass-DAN klein ward lloyd)



تصویر ۳- میوه رسیده مورت



تصویر ۲ - جمع‌آوری میوه سیسه



تصویر ۴ - میوه نارس بن

دانش بومی استفاده از گیاهان خودرو در ... ۱۳۷



تصویر ۵- صمغ درخت بن



تصویر ۷- مشک رنگ شده از جفت بلوط



تصویر ۶- میوه کلخنگ در بازار ایذه



تصویر ۸- میوه کُنار

دانش بومی استفاده از گیاهان خودرو در ... ۱۳۹



تصویر ۹- خرد کردن بلوط به وسیله سنگ بر در پیرمُشکِل



تصویر ۱۰- بستن پارچه به درخت مقدس



تصویر ۱۱- دود دادن مشک با چوب بلوط



تصویر ۱۲- اسپند جهت دفع چشم‌زخم